



# عقب ماندگی فکری

## در نوجوانان

گروهی است که به عنوان افراد عقب مانده شناخته میشوند به عبارت دیگر کاری که امروز اجتماع انجام میدهد الصاق برجسی است بروی اشخاصی که به علت نارسائی رشد هوشی از قافله آموزش کلاسیک یا فعالیت های اجتماعی عقب می مانند . در حالیکه عقب ماندگان فکری در واقع بخشی از جامعه را تشکیل میدهند که آن بخش دارای کلیه خواص جامعه بزرگ می باشد ، بهتر بگویم در این گروه همان گونه که در میان افراد سالم جامعه می بینیم موضوع وجود استعدادها ، ذوق و سلیقه ها و شخصیت فردی مطرح است.

س : پس بنا بگفته شما عقب ماندگان فکری ، يك گروه متجانس و هماهنگ را تشکیل نمی دهند و دارای اختلافاتی بایندیگر هستند ؟

لطفاً ورق بزنید

دکتر حسن صفوی عضو شورای سلطنتی بهداشت انگلستان است و در روانشناسی درمانی کودکان و نوجوانان و روانکاوی عمومی تخصص دارد .

متولد شهریورماه ۱۳۱۵ است . تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان فیروزکوهی و متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام تهران گذرانیده و مدارج دانشگاهی را در منچستر ، کمبریج و لندن انگلستان طی کرده است . در حال حاضر مدیریت عامل انجمن هدایت و حمایت عقب ماندگان فکری و عضویت شورای توان بخشی کشور را بعهده دارد و همچنین مرکز نمونه آموزشی برای اطفال عقب مانده « کانون امید » را سرپرستی میکند .

فکری همانطور که اشاره کردید اخیراً در جامعه ما مطرح شده است از نظر « بهداشت خانواده » رابطه میان کودک از يك سو و مری و اولیا از جانب دیگر بقدری مهم است که باید از کلیه وسایل ارتباط جمعی برای آموزش عمومی در این مورد استفاده کرد بزرگترین خطری که این مسئله برای جامعه ما پیش آورده است عدم شناسائی

س : مسئله عقب ماندگی فکری در جامعه ما اخیراً مورد توجه قرار گرفته و اولیاء و مریبان خواستار اطلاعات وسیعتری در این زمینه هستند ، بعقیده شما چگونه میتوان این اطلاعات را کسب کرد و در اختیار اولیاء و مریبان گذاشت ؟

ج : بعقیده من مسئله عقب ماندگی

ج : حدس شما کاملا صحیح است چون عقب ماندگی فکری دارای درجاتی است که از عقب ماندگی عمیق شروع میشود و تا مرز بهره هوشی طبیعی ادامه می یابد در سابق بخصوص در کشورهای غربی (که پیشرو جنبش شناسائی این مسئله بوده اند) از آزمایش های روانی برای تشخیص درجه عقب ماندگی استفاده میکردند این مسئله البته در مورد عقب ماندگان عمیق شاید می توانست رهنمونی باشد اما وقتی به مرحله عقب ماندگی های مختصر می رسیم چگونه میسر خواهد بود که با یک نمره اختلاف، شخصی را سالم بدانیم و دیگری را عقب مانده، و یک عمر او را با نشانی «عقب افتاده» بشناسیم اکنون در اکثر نقاط جهان عقب مانده گیهای فکری را در سه گروه طبقه بندی می کنند :

گروه اول : که عنوان «آموزش پذیر» را گرفته اند و افرادی را تشکیل میدهند که تا حد معینی قادر به سواد آموزی می باشند .

گروه دوم : «تربیت پذیر» خوانده شده اند و در اعضای این گروه سواد آموزی ابتدائی همراه با آموزش اجتماعی میسر است .

در گروه سوم «عقب ماندگان شدید» فقط سعی در تربیت اجتماعیشان میشود که شاید هم همیشه همراه با موفقیت نباشد .

س : در ضمن گفته های شما صحبت از تربیت اجتماعی همراه با سواد آموزی آمد و این برای ما مطلب جدیدی است . مقصود از این همه تاکید بروی تربیت اجتماعی چیست ؟

ج : شاید تصور از من بود که

تعریف بهتری از عقب ماندگی فکری نکردم بهرحال در جوامع پیشرو صنعتی امروزی شاید گرایش بجانب تامین زندگی روزمره و خصوصی دیده شود افراد عقب مانده به سبب آنکه از بهره هوشی کافی برخوردار نیستند ، نخواهند توانست مدارج علمی را طی کنند ولی این نباید مانعی برای تامین زندگی آنان شود چه ممکن است از این گروه کارگرانی نیمه متخصص یا در سطوح کمی بالاتر به وجود آید . مقصود از تربیت اجتماعی آموختن رسوم زندگی میان گروه ها و نهادهای اجتماعی است تا شخص بتواند با ایجاد رابطه های لازم زندگی خود را در حدود رفاه نسبی معمول تاهین کند . البته باید تاکید کنم که در مورد عقب ماندگان آموزش پذیر این امر کاملا ممکن و درباره گروه تربیت پذیر میسر است اما در مورد عقب ماندگان عمیق متأسفانه نباید در حال حاضر چندان خوشبین بود و از این عده همیشه باید مراقبت و محافظت کافی بعمل آید .

س : با توجه باین که ممکن است در هر خانواده یک فرد عقب مانده وجود داشته باشد عقیده شما در مورد طرز رفتار اولیاء و افراد خانواده و مربیان با آنان چیست ؟

ج : از همین جا مسئله آموزش عمومی که قبلا نیز به آن اشاره شد مطرح می گردد خانواده ها به علت ندانستن اطلاعات کافی طرز برداشت غلطی از این مسئله دارند و در امور تربیت خود افراط و تفریط ناجا نشان میدهند یعنی یا فرد عقب مانده را بینهایت ضعیف و منکی به سایرین باز می آورند یا او را مانند چیزی

ناخواسته طرد می کنند سبب اصلی این گونه رفتار کمبود آگاهی و احساس تقصیر و گناهی است که پدر و یا مادر خانواده می کنند . اولیاء بطور کلی باید قبول کنند که داشتن فرزندی عقب مانده یکی دیگر از همانگونه حوادثی است که می تواند برای هرکس اتفاق افتد و پس از وقوف باین امر در صد کسب اطلاعات و راهنمایی های لازم از متخصصین برآیند . افراد خانواده بطور کلی باید بیاموزند که طفل عقب مانده آنان یک [ چیز ] تحمیل شده غریبه نیست بلکه فردی است متعلق بآنان و با همان حقوق و مزایایی که به همه افراد گروه تعلق میگیرد . در مورد مربیان عقیده راسخ من این است که عقب ماندگان فکری را باید در مراکز مخصوص و طبق طبقه بندی تحت سرپرستی و آموزش قرار داد و اگر چنین امری میسر گردد دیگر مشکل مربی و طفل عقب مانده پیش نخواهد آمد زیرا مربیان این مراکز تعلیمات مخصوص جهت کار باین گونه افراد را قبلا آموختند .

س : بنابراین شما عقیده دارید کودکان عقب مانده باید از سایر اطفال در سطح آموزشی تفکیک شوند و در مراکز آموزشی خاص نگاهداری گردند ؟

ج : کاملا صحیح است این روشی است که اکنون در سایر نقاط جهان یکار بسته اند زیرا نگهداری کودکان عقب مانده در میان جمعی که از نظر رقابتهای آموزشی در سطح بالاتری از آنان قرار دارند نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه سبب میشود کودک عقب مانده علاوه بر اختلافات موجود دچار



ناراحتیهای عاطفی دیگر نیز گردد و بالاخره وسیله استهزاء و تمسخر برای کودکان سالم که به علت عدم رشد کافی فکری قادر به درک مشکل عقبماندگان نیستند بشود طفل عقب مانده در گروه خاص خود و در مرکزی که برای او بنیادگذار شده است نه تنها می تواند موفقیت های نسبی آموزشی - تربیتی داشته باشد بلکه از نظر بهداشت کلی روانی نیز سالم باقی خواهد ماند .

س: از این قرار، ما بایدسازمانی برای تفکیک این کودکان وهمچنین سه نوع مرکز برای سه گروهی که نام بردید داشته باشیم ؟

ج : من تصور نمی کنم سازمانی برای تفکیک کودکان عقب مانده از

اطفال سالم لازم باشد چون با یک آموزش کوتاه مدت وبا استفاده از تجربیات مربیان میتوان اطفالی را که از نظر اولیاء و پزشك خانواده وسایر افراد صاحب نظر دور مانده اند و وارد آموزش کلاسیک میشوند تفکیک کرد مقصود من اینست که تفکیک بایدانجام شود ولی دیگر احتیاج بدستگاههای عریض وطویل برای این امر نخواهد بود اما در مورد ایجاد سه نوع مرکز کاملاً پافتاری می کنم زیرا همانگونه که نمیتوان کودک عقب مانده را در جوار کودک سالم نگه داشت صحیح هم نخواهد بود فرد عقب مانده ای که دارای کلیه عوامل تشکیل یک شخصیت است در کنار عقب مانده عمیقی که قادر به انجام ابتدائی ترین فعالیت های شخصی

نیست نگاهداری کرد .

س : برای کودکان عقب مانده شدید چه میتوان کرد ؟

ج : من معتقدم ایجاد مراکزی که مراقبت از عقب ماندهگان عمیق در آن میسر باشد بعهد دولت است ملاحظه کنید عقب ماندهگان عمیق جز تغذیه پاکیزگی واشتغال به امور بسیار ساده احتیاج دیگری ندارند و از این لحاظ هزینه فوق العاده ای بر بودجه کشور تحمیل نخواهد شد ولی با ایجاد مراکزی که ذکر شد گروه کثیری از خانواده ها که اکنون مجبور به پرستاری دائمی از عقب ماندهگان عمیق هستند قادر خواهند بود نیروی کار و راحتی

بقیه در صفحه ۴۸

تشخیص میدهند تشکیل چه نوع اردوئی برای جوانان لازم است و سپس این اردو را در برنامه سالیانه منظور می کنند ابتدا هدف از تشکیل اردو را مشخص مینمایند و متناسب با این هدف برنامه تعلیماتی اردو را تنظیم می کنند و معلوم میدارند شرکت کنندگان در اردو چه کسانی هستند. هدف از تشکیل اردوهای تابستانی امسال انتخاب عده ای سرپرست و مدیر از بین بچه های پشاهنگ بود. کوچکترین واحد يك اردو جوخه نام دارد که آنرا يك پشاهنگ نام سرجوخه اداره میکند و او سمت رهبری جوخه را بعهدہ دارد کیبکه رهبری يك جوخه را بعهدہ دارد لازم است گاهی اوقات در زمینه مدیریت و رهبری مطالبی باو آموخته شود تا بتواند بهتر جوخه خود را اداره نماید آموزش این رهبران خردسال و آماده نمودن آنها برای رهبری و مدیریت صحیح انگیزه اصلی در تشکیل اردوئ بزرگ امسال سازمان پیش آهنگی ایران بود بعد از تعیین هدف و مشخص نمودن شرکت کنندگان در اردو انتخاب محل باید از نظر مناسب بودن با برنامه و تعداد شرکت کنندگان اردو و سایر احتیاجات و امکانات مورد توجه قرار گیرد سپس هیئت تعلیماتی تعیین میشوند که این اشخاص از بین مریان و مسئولان پشاهنگی انتخاب میشوند این کادر سازمان داخلی يك اردو را تشکیل میدهد و این سازمان اردو را

## عقب ماندگی

بقیه از صفحه ۹

خیال بیشتری به دست آورند.

س : بعقیده شما مراکزی که برای گروه تربیت پذیر و آموزش پذیر تأسیس می گردند باید بصورت روزانه اداره شوند یا شبانه روی ؟

ج : احساس می کنم انگیزه شما از این سؤال موضوع نگهداری عقب ماندگان عمیق در مراکز شبانه روزی دولتی است ولی در مورد دو گروه اخیر من مخالف جدائی طفل از محیط خانواده هستم و حتی در مورد ایجاد

اداره میکند معمولاً در اردوهای بزرگ هیئت مدیره ای وجود دارد که زیر نظر آنها کمیته های مختلفی تشکیل میگردد و هر کدام از این کمیته ها يك قسمت ازوظائف اردو را بعهدہ میگیرد که شامل کمیته های تعلیماتی و تدارکات ، تجهیزات و کمیته آمادگی اردو ، بهداشت و بهداشتی و روابط عمومی و کمیته امورمالی و حسابداری و بالاخره کمیته ارزش یابی است . این کمیته در طول مدتیکه اردو برقرار است مسائل مختلف را مورد ارزش یابی قرار میدهد و از این کار دو هدف دارد یکی اینکه نواقصی را که در طی روز بعنضم میخورد ترتیبی میدهد تا این نواقص در روز بعد تکرار نشود و مسئله دوم مجموعه این اطلاعات است که در پایان اردو مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد و از این تجربیات برای سالیهای آینده استفاده می کنند علاوه بر این اردو سازمان پشاهنگی . هه ساله تعداد زیادی اردوهای کوچک و بزرگ در سراسر کشور برای پشاهنگان تشکیل میدهد بطوریکه اماکنی که در کشور برای برگزاری اردو تعیین شده در تمام طول تابستان برای تشکیل اردوهای مختلف اشغال شده است و این اماکن عبارتند از باغ منظریه ، اردوگاه پشاهنگی رامسر و اردوگاههای متعدد دیگر در شهرهای مختلف کشور . ●

این مراکز عقیده دارم باید به اشخاص ذیصلاحیت و متخصص امر اجازه داده شود تا مراکز خصوصی و ملی را بنیان گذارند ، چون همیشه مسئله رقابت برای بهترسازی بضع گروه خواهان خدمات است البته این امر نیاید مانع از تأسیس مراکز دولتی شود زیرا عقب ماندگی فکری خاص طبقه خاص نیست و باید بفکر کلیه قشرهای اجتماع نیز بود . ●